

۱۰۰ حدیث در

صلی اللہ علیہ
وآلہ وسلم

روش نماز پیامبر

[برگرفته از احادیث صحیح]



شاکر الذہبی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چاپ ونشر این کتاب برای تمام ناشران اجازه است



فهرست مطالب

صفحه

مقدمه.....	۱۰/
کتاب آمادگی برای نماز.....	۱۲/
باب مسواک زدن.....	۱۲/
باب وضوء گرفتن بطور کامل.....	۱۲/
باب دعا پس از وضوء.....	۱۳/
باب جواب اذان.....	۱۴/
باب دعا پس از اذان.....	۱۵/
باب رفتن بسوی مسجد.....	۱۶/
باب گذاشتن ستره.....	۱۸/
باب چسپانیدن پا با پا و شانه با شانه در صف.....	۱۹/
باب ستر در نماز.....	۲۰/
باب جواز نماز خواندن در یک لباس (بدون عمامه و کلا).....	۲۰/
کتاب آغاز نماز.....	۲۲/
باب بطرف قبله ایستادن.....	۲۲/
در سفر به هنگام نماز های نوافل، استقبال قبله شرط نیست.....	۲۲/
باب کیفیت نماز کسی که مریض باشد.....	۲۴/



- باب قیام در نماز..... ۲۴/
- باب نماز خواندن با کفش..... ۲۵/
- باب نیت در نماز..... ۲۵/
- باب تکبیر، و آغاز نماز و تحریم امور غیر آن..... ۲۷/
- باب بلند کردن دستان تا برابر شانه ها..... ۲۷/
- باب گذاشتن دست راست روی دست چپ بالای سینه..... ۲۸/
- باب اینکه، شخص در قیام نظرش را به کجا بیندد؟!..... ۲۸/
- باب دعای که پس از تکبیر خوانده می شود..... ۲۸/
- باب گفتن اعوذ بالله..... ۳۱/
- باب گفتن بسم الله ... و پس از آن اینچنین سوره فاتحه را خواندن..... ۳۲/
- باب فرضیت خواندن فاتحه بر امام و مقتدی..... ۳۲/
- باب گفتن آمین با صدای بلند پس از ختم فاتحه برای امام و مأموم..... ۳۳/
- باب، هر آنچه که برای شخص تلاوتش در نماز آسان باشد، همان را بخواند، و اینکه در هر رکعت باید سوره فاتحه را خواند..... ۳۴/
- باب، سنت ترک شده..... ۳۴/



- باب اینکه، قرائت با صدای زیبا بوده باشد..... ۳۵/
- باب اینکه، اگر امام در نماز اشتباه کرد، باید متوجه اش سازند..... ۳۶/
- باب علاج وسوسه در نماز..... ۳۶/
- باب جواز جواب سلام در نماز با این کیفیت..... ۳۷/
- باب جواز کشتن گزنده ها در نماز..... ۳۸/
- کتاب آنچه که در خصوص رکوع آمده است..... ۳۹/
- باب بلند کردن دست ها تا برابر شانه به هنگام رفتن به رکوع..... ۳۹/
- باب کیفیت رکوع کردن..... ۴۱/
- باب وجوب آرامش در رکوع..... ۴۱/
- باب آنچه که در رکوع گفته میشود..... ۴۲/
- باب کیفیت گرفتن انگشتان در رکوع..... ۴۵/
- باب طولانی نمودن رکوع..... ۴۵/
- باب بلند شدن از رکوع..... ۴۶/
- باب بلند کردن دستها به هنگام بلند شدن از رکوع..... ۴۷/
- باب دعایی که پس از بلند شدن از رکوع گفته میشود..... ۴۸/



- باب وجوب طولانی کردن قیام پس از بلند شدن از رکوع..... ۴۹/
- کتاب آنچه که در خصوص سجده آمده است..... ۵۱/
- باب رفتن به سجده، و گذاشتن دستها قبل از زانو..... ۵۱/
- باب سجده نمودن بر هفت اعضاء..... ۵۱/
- باب کیفیت سجده کردن..... ۵۲/
- باب نهی از اینچنین سجده کردن..... ۵۴/
- باب وجوب آرامش در سجده..... ۵۵/
- باب دعای که در سجده خوانده می شود..... ۵۵/
- باب، نسبتاً طولانی نشستن میان دو سجده..... ۵۶/
- باب دعا در بین دو سجده..... ۵۸/
- باب بسیار دعا کردن در سجده..... ۵۹/
- باب سنت بودن جلسه استراحت..... ۵۹/
- کتاب کیفیت تشهد:..... ۶۱/
- باب کیفیت تشهد اول..... ۶۱/
- باب کیفیت اشاره به سبابه..... ۶۱/
- باب..... ۶۲/



باب اینکه، چشمان شخص در سجده به کدام طرف
باشد؟!...../۶۳

وجوب تشهد در قعده اول...../۶۴

باب وجوب درود فرستادن در هر دو قعده...../۶۵

باب، وقتی که شخص به رکعت سوم ایستاده می شود،

دستهایش را برابر شانه هایش بلند کند...../۶۶

باب وجوب پناه خواستن از چهار چیز قبل از سلام...../۶۷

باب دعا قبل از سلام...../۶۸

باب ختم نماز با تسلیم...../۶۸

باب جواز خاموش کردن موبائل در نماز...../۷۰

فصل:...../۷۱

تفاوتی میان نماز زن و مرد وجود ندارد...../۷۱

کتاب مکلفیت های شخص پس از ختم نماز...../۷۲

باب اذکار بعد از فرض...../۷۲

کتاب متفرقات...../۷۵

باب وتر گزاریدن...../۷۵

باب دعای قنوت...../۷۵

باب سجده سهو...../۷۶



- باب مواظبت بر سنت های رواتب..... ۷۸/
باب قصر نماز های فرض در سفر..... ۷۸/
باب سنت پس از جمعه..... ۷۹/
باب نماز عید..... ۸۰/
باب نماز کسوف..... ۸۰/
باب نماز طلب باران..... ۸۱/
باب نماز جنازه..... ۸۲/
باب سجده تلاوت..... ۸۲/
باب سجده شکر..... ۸۳/
کتاب نهی از بعضی امور در خصوص نماز..... ۸۵/
باب نهی از نماز خواندن بسوی قبور..... ۸۵/
باب نهی از نماز خواندن در خانه ای که در آن تصویر..... ۸۵/
باب نهی از پوشانیدن دهان در نماز..... ۸۶/
باب نهی از دیدن بطرف آسمان در نماز..... ۸۷/
باب نهی از فازه کشیدن در نماز..... ۸۷/
باب..... ۸۸/
باب نهی از این عمل..... ۸۹/
باب نهی از عبور از پیش روی نمازگزار..... ۹۰/



مقدمه

الحمد لله، والصلاة والسلام على رسول الله، وعلى آله وصحبه ومن استنّ بسنّه واهتدى بهديه، أما بعد:

اهمیت و جایگاه نماز در اسلام برای هیچ شخصی پوشیده نیست، و احکام و مسائل آنرا بسیاری از علمای سلف و معاصرین بیان داشته اند، و می توان گفت که کتاب شیخ و علامه ناصر الدین البانی مسمی به: «صفة الصلاة النبى» (روش نماز پیامبر صلی الله علیه وسلم) در موضوع مربوطش، بی نظیر است، الله تعالی ایشان را جزای خیر دهد. در این کتاب من فقط احادیث جامع که در خصوص نماز آمده اند، و میان صحیح و حسن قرار دارند؛ جمع و ترتیب نموده ام، تا باشد شخص اعمالی را که در نماز انجام می دهد، دلیل انجام آنرا نیز بداند.

قابل یاد آور است که همانگونه ما معتقدیم که هرگاه حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم برای ما آشکار گردد، رفتن دنبال این و آن؛ حرام و بدور از ایمان و تعهد ما با رب العالمین و پیامبر



صلی الله علیه وسلم است^۱، واین توصیه علمای پیشین نیز بوده است که به حدیث صحیح عمل کنید، و دنبال دیدگاه و نظریات ما نروید، از این رو؛ در این کتاب دیدگاه هیچ امام از ائمه را ذکر ننموده ام، و فقط به احادیث اکتفاء نموده ام، تا باشد به ریسبان محکم تمسک جسته، و از اختلافات و تعصب بدور شویم.

وَصَلَّى اللهُ عَلَيَّ خَيْرَ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ أَجْمَعِينَ.

۱- الله تعالى میفرماید: ﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ (۶۵) [النساء: ۶۵].

یعنی: «قسم به پروردگارت ایان ندارند تا اینکه در مشاجرات بین خودشان تو را حاکم نگردانند سپس در وجودشان به آنچه حکم نموده ای ناراحت نگردند و بطور کامل تسلیم تو باشند».

پیامبر صلی الله علیه وسلم میفرماید: «در هر عملی نشاط و حرصی وجود دارد و به دنبال هر نشاط و حرصی سستی و آرامشی وجود دارد، پس هر کس آرامش و سستی اش به سویی سنت من باشد، هدایت یافته و هر کس آرامش و سستی اش به سویی غیر سنت من باد هلاک شده است». [صحیح ابن حبان: (۳۴۹)].

ابوبکر صدیق رضی الله عنه می گوید: «کاری را که پیامبر صلی الله علیه وسلم عمل نموده، حتی به آن عمل نموده، و هرگز ترک نمی کنم، زیرا می ترسم که اگر چنین نکنم، منحرف شوم» [الإبانة: ۱/ ۱۴۳].

امام ذهبی می گوید: زمانی که فرد مبتدعی را دیدی که می گوید کتاب و سنت را بحال خود رها کن و بر عقل تکیه کن، پس بدان که او ابوجهل است [سیر أعلام النبلاء: (۴/ ۵۷۵)].



کتاب اُمادگی برای نماز

باب مسواک زدن

۱. عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - : أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - قَالَ : «لَوْلَا أَنْ أَشَقَّ عَلَى أُمَّتِي، أَوْ عَلَى النَّاسِ، لَأَمَرْتُهُمْ بِالسَّوَاكِ مَعَ كُلِّ صَلَاةٍ».

[بخاری: ۸۸۷].

یعنی: ابوهریره - رضي الله عنه - مي گوید: رسول الله - صلى الله عليه وسلم - فرمود: «اگر بر امت من، یا بر مردم دشوار نمی شد، به آنان دستور می دادم که برای هر نماز، مسواک بزنند».



باب وضوء گرفتن بطور کامل

۲. عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عَفَّانَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - أَنَّهُ دَعَا بِإِنَاءٍ فَأَفْرَغَ عَلَى كَفِّهِ ثَلَاثَ مَرَارٍ فَعَسَلَهُمَا، ثُمَّ أَدْخَلَ يَمِينَهُ فِي الْإِنَاءِ فَمَضَمَضَ وَاسْتَشَقَّ، ثُمَّ غَسَلَ وَجْهَهُ ثَلَاثًا وَيَدَيْهِ إِلَى الْمِرْفَقَيْنِ ثَلَاثَ مَرَارٍ، ثُمَّ مَسَحَ بِرَأْسِهِ، ثُمَّ غَسَلَ رِجْلَيْهِ ثَلَاثَ مَرَارٍ إِلَى الْكَعْبَيْنِ، ثُمَّ قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - : «لَوْلَا أَنْ أَشَقَّ عَلَى أُمَّتِي، أَوْ عَلَى النَّاسِ، لَأَمَرْتُهُمْ بِالسَّوَاكِ مَعَ كُلِّ صَلَاةٍ».



وسلم - : «مَنْ تَوَضَّأَ نَحْوَ وُضُوئِي هَذَا ثُمَّ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ لَا يُحَدِّثُ فِيهِمَا نَفْسَهُ غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ».

[بخاری: ۱۵۹].

یعنی: از عثمان بن عفان - رضي الله عنه - روایت است که ایشان آب خواست و وضو گرفت. نخست، سه بار آب ریخت و دست ها را (تا مچ) شست. سپس با دست راستش از ظرف، آب برداشت و مضمضه و استنشاق کرد. یعنی آب در دهان نمود و بینی خود را تمیز کرد. و بعد، سه بار صورتش را شست. آنگاه، دو دستش را تا آرنج، سه بار شست. و در آخر، سرش را مسح نمود و پاهایش را تا قوزک، سه بار شست، و بعد گفت: رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرموده است: «هرکس، مانند این وضو من، وضو بگیرد و با اخلاص، دو رکعت نماز بخواند، خداوند تمام گناهان گذشته اش را مورد عفو قرار خواهد داد».



باب دعا پس از وضوء

۳. وعن عمر رضي الله عنه، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «ما منكم من أحد يتوضأ فيسبغ



الوضوء، ثم يقول: أشهد أن لا إله إلا الله، وحده لا شريك له، وأشهد أن محمداً عبده ورسوله، إلا فتحت له أبواب الجنة الثمانية، يدخل من أيها شاء». أخرجه مسلم والترمذي، وزاد: «اللهم اجعلني من التوابين واجعلني من المتطهرين».

یعنی: از ابن عمر رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «کسی از شما که بطور کامل وضو بگیرد و سپس بگوید: أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأشهد أن محمداً عبده ورسوله، (گواهی می دهم که معبود بر حقی جز الله نیست و محمد بنده و فرستاده ای اوست). درهای هشتگانه بهشت برایش گشوده می شود، از هردری می خواهد وارد شود».



باب جواب اذان

۴. عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - : أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - قَالَ: «إِذَا سَمِعْتُمُ النِّدَاءَ، فَقُولُوا مِثْلَ مَا يَقُولُ الْمُؤَذِّنُ».

[بخاری: ۶۱۱].



یعنی: ابوسعید خدری - رضي الله عنه - می گوید: رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «هنگامی که صدای اذان به گوش شما رسید، کلمات اذان را با مؤذن تکرار کنید».

۵. عَنْ مُعَاوِيَةَ - رضي الله عنه - مِثْلُهُ إِلَى قَوْلِهِ: وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ. وَلَمَّا قَالَ: حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ قَالَ: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ». وَقَالَ: هَكَذَا سَمِعْنَا نَبِيَّكُمْ - صلی الله علیه وسلم - يَقُولُ.

[بخاری: ۶۱۲-۶۱۳].

یعنی: از معاویه - رضي الله عنه - روایت است که ایشان، کلمات اذان را تا کلمه «أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ»، با مؤذن، تکرار کرد و همینکه مؤذن به «حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ» رسید، در جواب، گفت: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ». و فرمود: شنیدم که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - چنین میگفت.



باب دعا پس از اذان

۶. عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ - صلی الله علیه وسلم - قَالَ: «مَنْ قَالَ حِينَ يَسْمَعُ النِّدَاءَ: اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ الدَّعْوَةُ التَّامَّةُ، وَالصَّلَاةِ الْقَائِمَةُ، آتِ مُحَمَّدًا



الْوَسِيلَةَ وَالْفَضِيلَةَ، وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا الَّذِي وَعَدْتَهُ، حَلَّتْ لَهُ شَفَاعَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

[بخاری: ۶۱۴].

یعنی: جابر بن عبد الله - رضي الله عنه - می گوید: رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «هرکس بعد از شنیدن اذان، این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ رَبَّ هَذِهِ الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ، وَالصَّلَاةِ الْقَائِمَةِ، آتِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَالْفَضِيلَةَ، وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا الَّذِي وَعَدْتَهُ» روز قیامت، از شفاعت من، بهره مند خواهد شد. ترجمه دعا: الهی! ای صاحب این دعوت کامل (اذان) و نمازی که هم اکنون برگزار می شود! به محمد - صلی الله علیه وسلم - وسیله (درجه ای است در بهشت) و فضیلت عنایت فرما و او را طبق وعده ات به مقام محمود (شفاعت) برسان.



باب رفتن بسوی مسجد

۷. رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید: «...ذَلِكَ أَنْ أَحَدَهُمْ إِذَا تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ الْوُضُوءَ، ثُمَّ أَتَى الْمَسْجِدَ لَا يُرِيدُ إِلَّا الصَّلَاةَ، لَا يَنْهَرُهُ إِلَّا الصَّلَاةَ، لَمْ يَخْطُ خُطْوَةً إِلَّا رُفِعَ لَهُ بِهَا دَرَجَةٌ، وَحُطَّ عَنْهُ بِهَا خَطِيئَةٌ حَتَّى يَدْخُلَ الْمَسْجِدَ،



فَإِذَا دَخَلَ الْمَسْجِدَ كَانَ فِي الصَّلَاةِ مَا كَانَتْ الصَّلَاةُ هِيَ الَّتِي تَحِبُّهُ، وَالْمَلَائِكَةُ يُصَلُّونَ عَلَى أَحَدِكُمْ مَا دَامَ فِي مَجْلِسِهِ الَّذِي صَلَّى فِيهِ، يَقُولُونَ: اللَّهُمَّ ارْحَمْهُ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُ، اللَّهُمَّ تَبَّ عَلَيْهِ، مَا لَمْ يُؤْذِ فِيهِ، مَا لَمْ يُحْدِثْ فِيهِ».

[متفقٌ علیه].

یعنی: هر گاه مسلمان، وضو کاملی گرفت و با نیت نماز خواندن به مسجد آمد، و نماز، تنها دلیل بلند شدن و بیرون آمدن او از خانه باشد، تا هنگام ورود به مسجد، در برابر هر قدمش، یک درجه ثواب او بیشتر و یک مورد از گناهان او کمتر می شود و با ورود به مسجد، ثواب و اجر نمازخوان را دارد، به شرطی که فقط به خاطر نماز در مسجد نشسته باشد و فرشتگان تا مادامیکه یکی از شما در جای نماز خواندنش نشسته باشد بر او درود می فرستند و می گویند: الهی! بر او رحم کن و او را بیامرزش، و توبه ی او را بپذیر! به شرطی که اذیت یا نقض وضویی، از او صادر نشود».





باب گذاشتن ستره

۸. از ابن عمر رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «لَا تَصَلِّ إِلَّا إِلَى سِتْرَةٍ وَلَا تَدْعُ أَحَدًا يَمْرُ بَيْنَ يَدَيْكَ، فَإِنَّ أَبِي فَلْتَقَاتْلَهُ فَإِنَّ مَعَهُ الْقَرِينَ».

[ابن حبان: ۲۳۶۲]

یعنی: فقط بسوی ستره نماز بخوان، و هرگز نگذار کسی از جلویت عبور کند، پس اگر کسی اصرار ورزید با وی گلاویز شو (بجنگ) زیرا شیطان همراه وی است.



باب چسپانیدن پا با پا و شانه با شانه در صف

۹. وَعَنْ نُّعْمَانَ بْنِ بَشِيرٍ يَقُولُ: أَقْبَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى النَّاسِ بِوَجْهِهِ فَقَالَ «أَقِيمُوا صُفُوفَكُمْ. ثَلَاثًا، وَاللَّهِ لَتُقِيمَنَّ صُفُوفَكُمْ أَوْ لِيُخَالِفَنَّ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ. قَالَ فَرَأَيْتُ الرَّجُلَ يُلْزِقُ مَنَكِبَهُ بِمَنَكِبِ صَاحِبِهِ وَرُكْبَتَهُ بِرُكْبَةِ صَاحِبِهِ وَكَعْبَهُ بِكَعْبِهِ».

[سنن ابی داود ۶۶۲ صحیح]

یعنی: «نعمان بن بشیر رضی الله عنه می گوید که رسول الله صلی الله علیه وسلم در وقت ایستادن نماز روی خود را بطرف



صحابه دور داد و گفت: صف های خود را راست نمایید این را سه بار تکرار کرد و باز فرمود: اگر صف های خود را درست ننمودید به الله قسم که الله تعالی در بین دلهای شما تفرقه و اختلاف می اندازد. نعمان به بشیر رضی الله عنه می گوید: من دیدم که هرکس قدم و شانه های خود را با قدم و شانه های فرد کناری خود می چسپاند».

۱۰. **وَعَنْ أَنَسٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اعْتَدُوا فِي صُفُوفِكُمْ وَتَرَاوُوا، فَإِنِّي أَرَاكُمْ مِنْ وَرَاءِ ظَهْرِي، قَالَ أَنَسٌ: لَقَدْ رَأَيْتُ أَحَدًا يُلْزِقُ مَنَكِبَهُ بِمَنَكِبِ صَاحِبِهِ، وَقَدَمَهُ بِقَدَمِهِ، وَلَوْ ذَهَبَتْ تَفْعَلُ ذَلِكَ لَتَرَى أَحَدَهُمْ كَأَنَّهُ بَعْلُ شَمُوسٍ».**

[مصنف ابن ابی شیبہ ۳۵۴۴ صحیح]

یعنی: «انس رضی الله عنه می گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: صف های خود را درست و مرتب کنید، زیرا من شما را از پشت سر می بینم. انس رضی الله عنه می گوید: آنگاه دیدم که هرکدام از ما شانه های خود را به شانه های دوست کناری خود، و پای خود را به پای او می چسپاند، و اگر کسی بخواهد این کار را امروز (یعنی زمان انس) انجام دهد،



چنان متنفر و بیزار می شود شخصی کنار تان مثل اینکه قاطر کینه توز است».



باب ستر در نماز

۱۱. وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - يَقُولُ: أَشْهَدُ أَنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - يَقُولُ: «مَنْ صَلَّى فِي ثَوْبٍ وَاحِدٍ فَلْيُخَالِفْ بَيْنَ طَرَفَيْهِ»

(بخاری: ۳۶۰).

یعنی: ابوهریره - رضی الله عنه - می گوید: گواهی می دهم که از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - شنیدم که فرمود: «اگر با یک لباس (غیر دوخته) نماز می خوانید، دو طرف آن را در جهت مخالف یکدیگر (روی شانه هایتان) بیندازید».



باب جواز نماز خواندن در یک لباس (بدون عمامه و کلاه)

۱۲. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُنْكَدِرِ قَالَ صَلَّى جَابِرٌ فِي إِزَارٍ قَدْ عَقَدَهُ مِنْ قَبْلِ قَفَاهُ وَثِيَابَهُ مَوْضُوعَةً عَلَى الْمَشْجَبِ قَالَ لَهُ



قائل تصلي في إزار واحد فقال إنما صنعت ذلك ليراني
أحمق مثلك وأينا كان له ثوبان على عهد النبي صلى الله
عليه وسلم.

[بخاری: ۳۵۲].

یعنی: از محمد بن منکدر روایت است که گفت: جابر نماز
گزارد و ازار خود را بر پس گردن خود بسته بود. و جامه های
وی بر سه پایه چوبین آویخته بود.

کسی او را گفت: فقط در یک جامه نماز می گزاری؟!
وی گفت: من بدین سبب این کار را کردم تا بیخردی چون
تو مرا ببیند، و کدام یک از ما در زمان پیامبر صلی الله علیه وسلم
دو جامه داشته است!.



کتاب آغاز نماز

باب بطرف قبله ایستادن

۱۳. عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِذَا قُمْتَ إِلَى الصَّلَاةِ فَأَسْبِغِ الوُضُوءَ ثُمَّ اسْتَقْبِلِ الْقِبْلَةَ فَكَبِّرْ...».

[أخرجه السَّبْعَةُ وَاللَّفْظُ لِلْبُخَارِيِّ]

یعنی: از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «هر گاه خواستی نماز بخوانی به نحوه احسن وضو بگیر، سپس رو به قبله تکبیر بگو...».



در سفر به هنگام نمازهای نوافل، استقبال قبله

شرط نیست

۱۴. وَعَنْ عَامِرِ بْنِ رَبِيعَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يُصَلِّي عَلَى رَاحِلَتِهِ



حَيْثُ تَوَجَّهَتْ بِهِ. متفقٌ عليه، زادَ البخاريُّ: يوماء برأسه ولم يكن يصنعه في المكتوبة.

ولأبي داود من حديث أنس رضي الله عنه: وكان إذا سافر فأراد أن يتطوع استقبلَ بناقتهِ القبلةَ فكبَّرَ، ثمَّ صلى حيث كان وجهه ركابه. وإسناده حسنٌ.

یعنی: از عامر بن ربیعہ رضی اللہ عنہ روایت است کہ: پیامبر صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم را دیدم کہ سوار مرکب بہ ہر سو کہ در حرکت بود، نماز می خواند. متفق علیہ.

و در روایت بخاری این افزوده آمده: «رکوع و سجده را با اشارہ ای سر انجام می داد و نمازهای فرض را بہ این صورت نمی خواند».

ابوداؤد از انس روایت کردہ: «ہر گاہ در مسیر سفر می خواست نماز مستحبی را بخواند، روی شترش را بہ سمت قبلہ قرار می داد، و تکبیر می گفت، سپس (بہ راہش ادامہ می داد) و جہت حرکت سواری اش بہ ہر سمتی کہ بود، نماز می خواند».





باب کیفیت نماز کسی که مریض باشد

۱۵. عَنْ عِمْرَانَ بْنِ حُصَيْنٍ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - قَالَ:
كَانَتْ بِي بَوَاسِيرٌ، فَسَأَلْتُ النَّبِيَّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - عَنِ
الصَّلَاةِ، فَقَالَ: «صَلِّ قَائِمًا، فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فَقَاعِدًا، فَإِنْ لَمْ
تَسْتَطِعْ فَعَلَى جَنْبٍ».

[بخاری: ۱۱۱۷].

یعنی: عمران بن حصین - رضی الله عنه - می گوید: من به بیماری بواسیر، مبتلا بودم. از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - پرسیدم که چگونه نماز بخوانم؟ فرمود: «حتی الامکان، نماز را ایستاده بخوان. اگر نتوانستی، نشسته بخوان. و اگر این هم برایت مقدور نبود، بر پهلو خوابیده، نماز بخوان.



باب قیام در نماز

۱۶. عَنْ عِمْرَانَ بْنِ حُصَيْنٍ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - قَالَ:
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ... «صَلِّ قَائِمًا ...»
الحدیث.

[بخاری: ۱۱۱۷].



یعنی: عمران بن حصین - رضي الله عنه - می گوید: رسول الله - صلى الله عليه وسلم - فرمود: ... نماز را ایستاده بخوان.



باب نماز خواندن با کفش

۱۷. شداد بن انس رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ روایت کرده که رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرموده است: «خَالِفُوا الْيَهُودَ فَإِنَّهُمْ لَا يُصَلُّونَ فِي نَعَالِهِمْ وَلَا خِفَافِهِمْ».
[ابوداود (۶۵۲)]

یعنی: «با یهود مخالفت کنید چون آن ها با کفش و موزه هایشان نماز نمی خوانند».



باب نیت در نماز

۱۸. عَنْ عُمَرَ - رضي الله عنه - : أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ - صلى الله عليه وسلم - قَالَ : «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ».
[بخاری: ۵۴]



یعنی: از عمر - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «پاداش اعمال، به نیت ها بستگی دارد».

نکته: تلفظ نیت با زبان بدعت است، و منظور نیت قلبی است.



باب تکبیر، و آغاز نماز و تحریم امور غیر آن

۱۹. علي رضي الله عنه گفته است که پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمود: «مفتاح الصلاة الطهور، و تحریمها التكبیر، و تحليلها التسليم».

[ابن أبي شيبة (۲۰۸/۱)]

یعنی: «کلید نماز وضو و ورود در آن (و همه چیز را بجز نماز، بر خود حرام کردن) وسیله تکبیر انجام می گیرد و بیرون آمدن از آن سلام دادن است».





باب بلند کردن دستان تا برابر شانه ها

۲۰. عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - كَانَ يَرْفَعُ يَدَيْهِ حَذْوَ مَنْكِبَيْهِ، إِذَا افْتَتَحَ الصَّلَاةَ، وَإِذَا كَبَّرَ لِلرُّكُوعِ، وَإِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ الرُّكُوعِ، رَفَعَهُمَا كَذَلِكَ أَيْضًا، وَقَالَ: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ» وَكَانَ لَا يَفْعَلُ ذَلِكَ فِي السُّجُودِ.

[بخاری: ۷۳۵].

یعنی: عبد الله بن عمر رضي الله عنهما روایت می کند که: رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - در آغاز نماز و هنگام تکبیر رکوع، رفع یدین می کرد یعنی دستهایش را تا برابر شانه ها بالا می برد. همچنین هنگام برخاستن از رکوع، نیز رفع یدین می کرد و «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ» می گفت. ولی در سجده، چنین نمی کرد.



باب گذاشتن دست راست روی دست چپ بالای سینه

۲۱. از وائل بن حجر آمده که گفت: "صَلَّيْتُ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَوَضَعَ يَدَهُ الْيُمْنَى عَلَى يَدِهِ الْيُسْرَى عَلَى صَدْرِهِ".



یعنی: "همراه پیامبر - صلی الله علیه وسلم - نماز گزاردم (و دیدم) که او دست راستش را روی دست چپش روی سینه نهاد." (و به روایت ابن خزیمه در صحیح خود و ابوداود و نسائی با این الفاظ آمده است):



باب اینکه، شخص در قیام نظرش را به کجا ببندد؟! :

۲۲. از عایشه رضی الله عنها روایت است که گفت: «کان رسول الله صلی الله علیه وسلم إذا صلی طأطأ رأسه ورمي ببصره نحو الأرض».

[روایت حاکم و البانی در «صفة الصلاة» ص: ۸۹].
یعنی: «هرگاه رسول خدا صلی الله علیه وسلم نماز می گزارد، سرش را پایین می انداخت و نگاهش را به زمین می دوخت».



باب دعای که پس از تکبیر خوانده می شود

۲۳. عن أبي هُرَيْرَةَ - رضي الله عنه - قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - يَسْكُتُ بَيْنَ التَّكْبِيرِ وَبَيْنَ



الْقِرَاءَةِ إِسْكَاتَهُ، فَقُلْتُ: بِأَبِي وَأُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِسْكَاتَكَ بَيْنَ التَّكْبِيرِ وَالْقِرَاءَةِ مَا تَقُولُ؟ قَالَ: «أَقُولُ: اللَّهُمَّ بَاعِدْ بَيْنِي وَبَيْنَ خَطَايَايَ كَمَا بَاعَدْتَ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ، اللَّهُمَّ تَقْنِي مِنَ الْخَطَايَا كَمَا يُتَّقَى الثَّوْبُ الْأَبْيَضُ مِنَ الدَّنَسِ، اللَّهُمَّ اغْسِلْ خَطَايَايَ بِالْمَاءِ وَالتَّلْجِ وَالْبَرَدِ».

[بخاری: ۷۴۴]

یعنی: ابوهریره - رضي الله عنه - می گوید: رسول الله - صلی الله علیه وسلم - بین تکبیر تحریمه و قرائت، اندکی سکوت می کرد. ابوهریره - رضي الله عنه - می گوید: عرض کردم: ای پیامبر گرامی - صلی الله علیه وسلم -! پدر و مادرم فدایت باد، در این میان، چه می خوانی؟ رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «می گویم: اللَّهُمَّ بَاعِدْ بَيْنِي وَبَيْنَ خَطَايَايَ كَمَا بَاعَدْتَ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ، اللَّهُمَّ تَقْنِي مِنَ الْخَطَايَا كَمَا يُتَّقَى الثَّوْبُ الْأَبْيَضُ مِنَ الدَّنَسِ، اللَّهُمَّ اغْسِلْ خَطَايَايَ بِالْمَاءِ وَالتَّلْجِ وَالْبَرَدِ».

خدایا! میان من و گناهانم فاصله بیاورد همانطور که میان مشرق و مغرب فاصله انداختی. خدایا! همچنانکه پارچه سفید، از پلیدی و چرک، پاک و صاف می گردد، گناهانم را پاک و



صاف بگردان. خدایا! گناهانم را به وسیله آب، یخ و تگرگ بشوی و پاک گردان.»

نکته: دعا‌های افتتاح بسیارست، و جمع بین آنها درست نیست، و باید هریکی از آنها در نماز متنوع خوانده شوند:
برخی از آنها:

- وجهت وجهی للذي فطر السماوات والأرض حنیفاً [مسلم] وما أنا من المشرکین إن صلاتی ونسکی ومحیای ومماتی لله رب العالمین لا شریک له وبذلك أمرت وأنا أول المسلمین اللهم أنت الملك لا إله إلا أنت [سبحانک وبحمدک] أنت ربی وأنا عبدک ظلمت نفسی واعترفت بذنبی فاغفر لی ذنبی جميعاً إنه لا یغفر الذنوب إلا أنت واهدنی لأحسن الأخلاق لا یتهدی لأحسنها إلا أنت واصرّف عني سيئها لا یصرف عني سيئها إلا أنت لیبک وسعدیک والخیر کلہ فی یدیک والشر لیس إلیک [والمہدی من ہدیت] أنا بک وإلیک [لا منجأ ولا ملجأ منک إلا إلیک] تبارکت وتعالیت أستغفرک وأتوب إلیک.

- سبحانک اللهم وبحمدک وتبارک اسمک وتعالی جدک ولا إله غیرک.



- الله أكبر كبيرا والحمد لله كثيرا وسبحان الله بكرة وأصيلا.
- الحمد لله حمدا كثيرا طيبا مباركا فيه.
- اللهم لك الحمد أنت نور السماوات والأرض ومن فيهن ولك الحمد أنت قيم السماوات والأرض ومن فيهن [ولك الحمد أنت الحق ووعدك الحق وقولك حق ولقاؤك حق والجنة حق والنار حق والساعة حق والنبیون حق ومحمد حق اللهم لك أسلمت وعليك توكلت وبك آمنت وإليك أنبت وبك خاصمت وإليك حاکمت] أنت ربنا وإليك المصیر فاعفر لي ما قدمت وما أخرت وما أسررت وما أعلنت [وما أنت أعلم به مني] أنت المقدم وأنت المؤخر [أنت إلهي] لا إله إلا أنت [ولا حول ولا قوة إلا بك] .



باب گفتن اعوذ بالله...

۲۴. در حدیث ابو سعید خدری وارد شده است «... وكان يقول بعد التكبير: «أعوذُ بالله السميع العليم من الشيطان الرجيم من همزه ونفخه ونفثه».
- [أخرجه ابن أبي شيبة (۲۰۹/۱ ، رقم ۲۳۹۶) .]



یعنی: پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم بعد از تکبیر می گفت: «به خداوند شنوای و آگاه پناه می برم از (شر) شیطان رانده شده؛ از دیوانگی اش و تکبرش و شورش».



باب گفتن بسم الله... و پس از آن اینچنین سوره فاتحه را خواندن

۲۵. ام سلمه رضي الله عنها قرائت رسول الله صلی الله علیه وسلم را چنین توصیف می کند که: ابتدا «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» می گفت، سپس توقف می کرد بعد ادامه می داد: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»، توقف می کرد، ادامه می داد: «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، باز توقف می کرد و بعد «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ»؛ قرائت پیامبر آیه به آیه بود.

[ابو داود (۴۰۰۱)].



باب فرضیت خواندن فاتحه بر امام و مقتدی

۲۶. از ابوهریره روایت شده است که: پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - فرموده: «من صلی صلاة لم یقرأ»



فیهَا بِأَمِّ الْقُرْآن - وَفِي رَوَايَةٍ: بِفَاتِحَةِ الْكِتَاب - فَهِيَ خَدَاجُ هِيَ خَدَاجٌ غَيْرُ تَمَامٍ».

[مسلم (۱/۲۹۶، رقم ۳۹۵).]

یعنی: «کسی که نماز بخواند و در آن سوره فاتحه را نخواند، نماز او ناقص و فاسد و باطل است».



باب گفتن آمین با صدای بلند پس از ختم فاتحه برای امام و مأوم

۲۷. وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِذَا فَرَّغَ مِنْ قِرَاءَةِ أَمِّ الْقُرْآنِ رَفَعَ صَوْتَهُ وَقَالَ: «آمِينَ».

[رواه الدارقطني وحسنه].

یعنی: از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: هر گاه رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم قرائت سوره ی فاتحه را تمام می کرد، با صدای بلند «آمین» می گفت.





باب، هر آنچه که برای شخص تلاوتش در نماز آسان باشد، همان را بخواند، و اینکه در هر رکعت باید سوره فاتحه را خواند

۲۸. ابوهریره رضی الله عنها روایت میکند که رسول الله صلی الله علیه وسلم برای مسیء الصلاة گفت: ثُمَّ اقْرَأْ مَا تيسَّرَ مَعَكَ مِنَ الْقُرْآنِ.

[بخاری: ۷۵۷].

یعنی: «بعد، آنچه از قرآن برای ت میسر است بخوان».



باب، سنت ترک شده

۲۹. عَنْ أَبِي قَتَادَةَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - يَقْرَأُ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأُولَيَيْنِ مِنْ صَلَاةِ الظُّهْرِ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ وَسُورَتَيْنِ، يُطَوِّلُ فِي الْأُولَى، وَيَقْصُرُ فِي الثَّانِيَةِ، وَيُسْمِعُ الْآيَةَ أحيانًا، وَكَانَ يَقْرَأُ فِي الْعَصْرِ - بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ وَسُورَتَيْنِ، وَكَانَ يُطَوِّلُ فِي الْأُولَى وَيَقْصُرُ فِي الثَّانِيَةِ، وَكَانَ يُطَوِّلُ فِي الرَّكْعَةِ الْأُولَى مِنْ صَلَاةِ الصُّبْحِ، وَيَقْصُرُ فِي الثَّانِيَةِ.



(بخاری: ۷۵۹).

یعنی: ابو قتاده - رضي الله عنه - مي گوید: رسول الله - صلی الله علیه وسلم - در دو رکعت اول نماز ظهر، سوره فاتحه و سوره اي ديگر را مي خواند. رکعت اول را طولاني و رکعت دوم را کوتاه مي خواند. و گاهي بعضي از آیات را طوري تلاوت مي کرد که ما مي شنیدیم. همچنین در دو رکعت اول نماز عصر، سوره فاتحه و سوره اي ديگر را تلاوت مي نمود. رکعت اول را طولاني و رکعت دوم را کوتاه مي خواند. همچنین، آنحضرت - صلی الله علیه وسلم - رکعت اول نماز فجر را طولاني و رکعت دوم آن را کوتاه مي خواند.



باب اینکه، قرائت با صدای زیبا بوده باشد

۳۰. رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید:
 «زَيِّتُوا الْقُرْآنَ بِأَصْوَاتِكُمْ فَإِنَّ الصَّوْتَ الْحَسَنَ يَزِيدُ الْقُرْآنَ حُسْنًا»

[بخاری بصورت معلق.]

یعنی: «قرآن را با صدایتان زینت ببخشید، زیرا صدای خوب بر حسن قرآن می افزاید».



باب اینکه، اگر امام در نماز اشتباه کرد، باید متوجه اش سازند

۳۱. از ابن عمر روایت است که: پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - یکبار نماز می خواند و آیه ای بر وی مشتبه گردید، چون از نماز فارغ شد، به پدرم فرمود: «أشهدت معنا؟» «آیا تو با ما بودی؟» پدرم گفت: آری، پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمود: «فما منعك أن تفتح علي؟» «چه چیز تو را منع کرد که آن را به یاد من بیاوری و مرا بیآگاهانی؟». [ابوداود و دیگران با راویان موثق آن را روایت کرده و آورده اند].

۳۲. از سهل بن سعد الساعدي روایت است که، پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمود: «من نابه شيء في صلاته فليقل: سبحان الله، إنما التصفيق للنساء، والتسبيح للرجال». [احمد و ابوداود و نسائي آن را روایت کرده اند].
یعنی: «اگر در نماز برای کسی چیزی پیش آمد کرد، بگوید: «سبحان الله»، بی گمان کف زدن مخصوص زنان و تسبیح مخصوص مردان است».





باب علاج وسوسه در نماز

۳۳. امام احمد رَحِمَهُ اللهُ در المسند با سند صحیح روایت کرده است که عثمان بن ابی العاص رَضِيَ اللهُ عَنْهُ گفت: «ای رسول الله، شیطان بین من و نماز و قرائتم مانع می شود. فرمود: «ذَاكَ شَيْطَانٌ يُقَالُ لَهُ خَنْزَبٌ فَإِذَا أَحْسَسْتَهُ فَتَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنْهُ وَاتَّقِلْ عَلَى يَسَارِكَ ثَلَاثًا».

[احمد (۴/۲۱۶) مسلم (۲۲۰۳)].

یعنی: این شیطانی است که او را خنزب می گویند: وقتی حضورش را حس کردی، از او به خدا پناه ببر و سه مرتبه در سمت چپ خود آب دهان بیانداز. عثمان می گوید: این کار را انجام دادم و خداوند او را از من دور کرد.



باب جواز جواب سلام در نماز با این کیفیت

۳۴. وعن ابن عمر رضي الله عنهما قال: قُلْتُ لبلال: كَيْفَ رَأَيْتَ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَرُدُّ عَلَيْهِمْ حِينَ يُسَلِّمُونَ عَلَيْهِ وَهُوَ يُصَلِّي؟ قَالَ: يَقُولُ هَكَذَا وَبَسَطَ كَفَّهُ.

[أخرجه أبو داود والترمذي وصححه].



یعنی: از ابن عمر رضی الله عنه روایت است که از بلال پرسیدم: پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم در نماز وقتی به اوسلام می کردند، چگونه جواب سلام را می داد؟ گفت: به این صورت؛ و دستش را باز کرد.



باب جواز کشتن گزنده ها در نماز

۳۵. وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «اقتُلُوا الْأَسْوَدِينَ فِي الصَّلَاةِ: الْحَيَّةَ وَالْعَقْرَبَ».

[أَخْرَجَهُ الْأَرْبَعَةُ وَصَحَّحَهُ ابْنُ حِبَّانَ].

یعنی: از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «دو سیاه، مار و عقرب را در نماز بکشید».





کتاب کیفیت رکوع نمودن

باب بلند کردن دست ها تا برابر شانه به هنگام

رفتن به رکوع

۳۶. عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - كَانَ يَرْفَعُ يَدَيْهِ حَذْوَ مَنْكِبَيْهِ، إِذَا افْتَتَحَ الصَّلَاةَ، وَإِذَا كَبَّرَ لِلرُّكُوعِ، وَإِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ الرُّكُوعِ، رَفَعَهُمَا كَذَلِكَ أَيْضًا...».

[بخاری: ۷۳۵].

یعنی: عبد الله بن عمر رضي الله عنهما روایت می کند که: رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - در آغاز نماز و هنگام تکبیر رکوع، رفع یدین می کرد یعنی دستهایش را تا برابر شانه ها بالا می برد. همچنین هنگام برخاستن از رکوع، نیز رفع یدین می کرد...».





باب کیفیت رکوع کردن

۳۷. وعن عائشة رضي الله عنها قالت: ... وكان إذا رَكَعَ لم يَشْخِصْ رَأْسَهُ وَلَمْ يُصَوِّبْهُ وَلَكِنْ بَيْنَ ذَلِكَ، وَكَانَ إِذَا رَفَعَ مِنَ الرُّكُوعِ لَمْ يَسْجُدْ حَتَّى يَسْتَوِيَ قَائِمًا، وَكَانَ إِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ السَّجْدِ لَمْ يَسْجُدْ حَتَّى يَسْتَوِيَ جَالِسًا، وَكَانَ يَقُولُ فِي كُلِّ رَكْعَتَيْنِ التَّحِيَّةَ، وَكَانَ يَفْرُشُ رِجْلَهُ الْيُسْرَى وَيَنْصِبُ الْيَمْنَى، وَكَانَ يَنْهَى عَنْ عُقْبَةِ الشَّيْطَانِ وَيَنْهَى أَنْ يَفْتَرِشَ الرَّجُلُ ذِرَاعِيهِ اقْتِرَاشَ السَّبْعِ، وَكَانَ يَخْتِمُ الصَّلَاةَ بِالتَّسْلِيمِ. أَخْرَجَهُ مُسْلِمٌ وَلَهُ عِلَّةٌ.

یعنی: از عائشه رضي الله عنها روایت است ... رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم چون به رکوع می رفت سرش با کمرش برابر بود؛ نه بالا تر و نه پایین تر؛ و وقتی سرش را از رکوع بلند می کرد؛ به سجده نمی رفت تا آن که راست می ایستاد و چون سرش را از سجده بلند می کرد و راست می نشست و بعد به سجده می رفت و در هر دو رکعت التحیات می خواند و وقتی برای تشهد اول می نشست؛ پای چپش را فرش می کرد و پای راستش را نصب می کرد، و از نشستن شیطان (روی دو پای نصب شده) و فرش نمودن



ساعدها همانند حیوانات درنده (سگ، گرگ ...) نهی می کرد، و نماز را با سلام تمام می کرد. مسلم روایت کرده است و در آن علتی وجود دارد.

۳۸. از ابوحمید روایت است: «أن رسول الله - صلی الله علیه وسلم - ركع فوضع يديه علي ركبتيه كأنه قابض عليهما، و وتر يديه فنحاهما عن جنبه».

[ترمذی: (۲۵۹/۱۶۳/۱)]

یعنی: «پیامبر - صلی الله علیه وسلم - به رکوع می رفت و دو دستش را روی دو زانویش قرار می داد مانند اینکه آنها را گرفته باشد و دو دستش را خم و از دو پهلویش دور می کرد».



باب وجوب آرامش در رکوع

۳۹. در حدیث: مسیء آمده که: «ثم اركع حتى تطمئن راکعاً» «سپس به رکوع برو تا اینکه آرامش و سکون می یابی».

۴۰. از ابوقتاده روایت شده است که: پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - فرموده: «أسوأ الناس سرقة الذي يسرق من صلاته» «بدترین دزد کسی است که از نماز خویش می دزدد». گفتند ای پیامبر خدا، چگونه از نمازش دزدی می کند؟ فرمود:



«لا یتَم رکوعها ولا سجودها» یا فرمود: «لا یقیم صلبه فی الركوع والسجود» «رکوع و سجود خود را بدرستی انجام نمی دهد یا در رکوع و سجود پشتش بطور مستقیم قرار نمی گیرد = طمانینه را مراعات نمی کند». احمد و طبرانی و ابن خزیمه و حاکم آن را روایت کرده اند. و حاکم آن را «صحیح الاسناد» دانسته است.



باب آنچه که در رکوع گفته میشود

۴۱. وَعَنْ حُذَيْفَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: صَلَّيْتُ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ذَاتَ لَيْلَةٍ فَأَفْتَتَحَ الْبَقْرَةَ، فَقُلْتُ: يَرْكَعُ عِنْدَ الْمِئَةِ، ثُمَّ مَضَى، فَقُلْتُ: يُصَلِّي بِهَا فِي رَكْعَةٍ، فَمَضَى، فَقُلْتُ: يَرْكَعُ بِهَا، ثُمَّ افْتَتَحَ النِّسَاءَ فَقَرَأَهَا، ثُمَّ افْتَتَحَ آلَ عِمْرَانَ، فَقَرَأَهَا، يَقْرَأُ مُتَرَسِّلاً إِذَا مَرَّ بِآيَةٍ فِيهَا تَسْبِيحٌ سَبَّحَ، وَإِذَا مَرَّ بِسُؤَالٍ سَأَلَ، وَإِذَا مَرَّ بِتَعَوُّذٍ تَعَوَّذَ، ثُمَّ رَكَعَ، فَجَعَلَ يَقُولُ: سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ، فَكَانَ رُكُوعُهُ نَحْوًا مِنْ قِيَامِهِ، ثُمَّ قَالَ: سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ، ثُمَّ قَامَ طَوِيلًا قَرِيبًا مِمَّا رَكَعَ، ثُمَّ سَجَدَ فَقَالَ: سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى فَكَانَ سَجُودُهُ قَرِيبًا مِنْ قِيَامِهِ. رواه مسلم.



یعنی: از «ابوعبدالله حذیفه بن یمان انصاری» - رضی الله عنهما - روایت شده است که گفت: شبی با پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - نماز خواندم که ایشان در نماز، سوره ی بقره را شروع کرد؛ با خود گفتم: در آیه ی صدم، به رکوع می رود اما از آن گذشت؛ گفتم: تمام بقره را می خواند، باز گذشت و نزدیک آخر سوره شد؛ گفتم: با پایان بقره به رکوع می رود، اما بعد از آن، سوره ی نساء را شروع کرد و آن را نیز خواند، سپس آل عمران را نیز آغاز نمود؛ به ترتیل و آرام می خواند و هرگاه به آیاتی که در آن تسبیح است، می رسید، تسبیح می گفت و وقتی به آیات درخواست دعا می رسید، درخواست دعا می نمود و اگر به آیات طلب پناه از خدا و قهر و غضب می رسید، به خدا پناه می جست و بالاخره به رکوع رفت و شروع کرد به گفتن: «سبحان ربی العظیم» و مانند قیامش طولانی بود و به اعتدال برگشت و «سمع الله لمن حمده، ربنا لک الحمد» خواند و به اندازه ی رکوعش هم ایستاد، سپس به سجده رفت و «سبحان ربی الاعلی» می گفت و سجده اش نیز مانند قیامش بود».



۴۲. وعن عائشة رضي الله عنها أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَقُولُ فِي رُكُوعِهِ وَسُجُودِهِ: «سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ» رواه مسلم.

یعنی: از عایشه - رضي الله عنها - روایت شده است که پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - در رکوع و سجودش می فرمود: «سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ: (خداوند)، بسیار منزّه و بی عیب و بسیار پاک و پروردگار فرشتگان و جبرئیل است».

نکته: برخی از اذکاری که به هنگام رکوع وارد شده است:

- سبحان ربي العظيم (۳ بار).
- سبوح قدوح رب الملائكة والروح.
- سبحانك اللهم وبحمدك اللهم اغفر لي.
- اللهم لك ركعت وبك آمنت ولك أسلمت [أنت ربي]
- خشع لك سمعي وبصري ومخي وعظمي (وفي رواية وعظامي) وعصبي [وما استقلت به قدمي لله رب العالمين].
- اللهم لك ركعت وبك آمنت ولك أسلمت وعليك توكلت أنت ربي خشع سمعي وبصري ودمي ولحمي وعظمي وعصبي لله رب العالمين.
- سبحان ذي الجبروت والملكوت والكبرياء والعظمة.



باب کیفیت گرفتن انگشتان در رکوع

۴۳. وعن وائل بن حُجر رضي الله عنه أنَّ النبي صلى الله عليه وآله وسلم: كان إذا ركعَ فَرَجَ بين أصابعه وإذا سَجَدَ ضَمَّ أَصَابِعَهُ. رواه الحاكم.

یعنی: وائل بن حجر رضي الله عنه گوید: پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم هنگامی که رکوع می نمود بین انگشتان دستانش فاصله می انداخت، و چون به سجده می رفت انگشتانش را به هم می چسباند. حاکم روایت کرده است.



باب طولانی نمودن رکوع

۴۴. عَنِ الْبَرَاءِ - رضي الله عنه - قَالَ: كَانَ رُكُوعُ النَّبِيِّ - صلى الله عليه وسلم - وَسُجُودُهُ، وَبَيْنَ السَّجْدَتَيْنِ، وَإِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ الرُّكُوعِ، مَا خَلَا الْقِيَامَ وَالْقُعُودَ قَرِيبًا مِنَ السَّوَاءِ.

[بخاری: ۷۹۲].

یعنی: براء - رضي الله عنه - می گوید: مدت زمان رکوع، سجده، نشستن میان دو سجده (جلسه) و ایستادن بعد از رکوع



(قومه) رسول الله - صلی الله علیه وسلم - ، نزدیک به هم بود .
البته مدت زمان قیام و قعود یعنی تشهد، طولانی تر بود .



باب بلند شدن از رکوع

۴۵. عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - إِذَا قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ يُكَبِّرُ حِينَ يَقُومُ، ثُمَّ يُكَبِّرُ حِينَ يَرُكِعُ، ثُمَّ يَقُولُ: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ» حِينَ يَرُفَعُ صُلْبَهُ مِنَ الرَّكْعَةِ، ثُمَّ يَقُولُ وَهُوَ قَائِمٌ: «رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ»، ثُمَّ يُكَبِّرُ حِينَ يَهْوِي، ثُمَّ يُكَبِّرُ حِينَ يَرُفَعُ رَأْسَهُ، ثُمَّ يُكَبِّرُ حِينَ يَسْجُدُ، ثُمَّ يُكَبِّرُ حِينَ يَرُفَعُ رَأْسَهُ، ثُمَّ يَفْعَلُ ذَلِكَ فِي الصَّلَاةِ كُلِّهَا حَتَّى يَقْضِيَهَا، وَيُكَبِّرُ حِينَ يَقُومُ مِنَ الثَّنَتَيْنِ بَعْدَ الْجُلُوسِ.

[بخاری: ۷۸۹].

یعنی: ابوهریره - رضی الله عنه - می گوید: رسول الله - صلی الله علیه وسلم - هنگام شروع نماز و هنگام رکوع، تکبیر می گفت. و هنگامی که از رکوع بلند می شد، «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ» می گفت. و هنگامیکه راست می ایستاد «رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ» می گفت. سپس هنگام پائین رفتن برای سجده و بلند



شدن از آن، تکبیر می گفت. و برای سجده دوم نیز چنین می کرد. و تا پایان نماز، به همین شیوه، عمل می نمود. گفتنی است که هنگام بلند شدن از قعده اول نیز تکبیر می گفت.



باب بلند کردن دستها به هنگام بلند شدن از

رکوع

۴۶. از ابن عمر روایت است: «أن رسول الله - صلى الله عليه وسلم - كان يرفع يديه حذو منكبيه إذا افتتح الصلاة، وإذا كبر للركوع، وإذا رفع رأسه من الركوع رفعهما كذلك أيضا».

[متفق علیه]

یعنی: «پیامبر - صلی الله علیه وسلم - وقتی شروع به نماز می کرد دستهایش را تا مقابل شانه هایش بلند می کرد، و هنگام تکبیر گفتن برای رکوع و بلند شدن از آن نیز همین کار را انجام می داد».





باب دعایی که پس از بلند شدن از رکوع گفته میشود

۴۷. عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ رَافِعٍ الزُّرْقِيِّ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - قَالَ: كُنَّا يَوْمًا نُصَلِّي وَرَاءَ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فَلَمَّا رَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ الرَّكْعَةِ قَالَ: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ». قَالَ رَجُلٌ وَرَاءَهُ: رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ، فَلَمَّا انْصَرَفَ قَالَ: «مَنِ الْمُتَكَلِّمُ؟» قَالَ: أَنَا. قَالَ: «رَأَيْتُ بِضْعَةَ وَثَلَاثِينَ مَلَكًا يَتَدَرُّونَهَا، أَيُّهُمْ يَكْتُبُهَا أَوَّلَ».

[بخاری: ۷۹۹].

یعنی: رفاعه ابن رافع زرقی - رضی الله عنه - می گوید: روزی، پشت سر آنحضرت - صلی الله علیه وسلم - نماز می خواندیم. وقتی رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - سر از رکوع برداشت و «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ» گفت، یکی از نماز گزاران این جملات را خواند: «رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ». پس از اتمام نماز، رسول الله - صلی الله علیه وسلم - پرسید: «چه کسی این کلمات را خواند؟» آن نماز گزار گفت: من بودم. رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «سی و اندی فرشته را دیدم که برای نوشتن این جملات، از یکدیگر سبقت



می گرفتند و هر کدام، سعی می کرد قبل از دیگری، آنرا بنویسد.»

نکته: برخی از دعای دیگری که در این هنگام وارد شده اند:

- ربنا ولك الحمد.
- ملء السماوات وملء الأرض وملء ما شئت من شيء بعد.
- أهل الثناء والمجد لا مانع لما أعطيت ولا معطي لما منعت ولا ينفع ذا الجد منك الجد.
- ملء السماوات وملء الأرض وملء ما شئت من شيء بعد أهل الثناء والمجد أحق ما قال العبد وكلنا لك عبد [اللهم] لا مانع لما أعطيت [ولا معطي لما منعت] ولا ينفع ذا الجد منك الجد.



باب وجوب طولانی کردن قیام پس از بلند شدن از

رکوع

۴۸. رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمودند: «ثُمَّ ارْفَعْ رَأْسَكَ حَتَّى تَعْتَدِلَ قَائِمًا (فِيَأْخُذُ كُلَّ عَظْمٍ مَأْخُذَهُ) وَفِي



روایه «فَإِذَا رَفَعْتَ فَأَقِمْ صُلْبَكَ حَتَّى تَرْجِعَ الْعِظَامُ إِلَى مَفَاصِلِهَا».

[بخاری و مسلم]

یعنی: «سرت را بلند کن تا راست بایستی، به طوری که هر استخوانی از بدنت در جای خود قرار گیرد». و در روایتی آمده: «چون راست شدي پشتت را هم راست کن و سرت را بلند نگه دار تا استخوانها به مفاصلشان برگردند». و به وي یادآور شد که «إِنَّهُ لَا تَتِمُّ صَلَاةٌ لِأَحَدٍ مِنَ النَّاسِ إِذَا لَمْ يَفْعَلْ ذَلِكَ». «نماز احدي از مردم کامل نیست، هر گاه آن را انجام دهد». و مي فرمود: «لَا يَنْظُرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى صَلَاةِ عَبْدٍ لَا يُقِيمُ فِيهَا صُلْبَهُ بَيْنَ رُكُوعِهَا وَسُجُودِهَا»

یعنی: الله بلند مرتبه به نماز بنده اي که پشتش را میان رکوع و سجود راست نکند، نمی نگرد».





کتاب آنچه که در خصوص سجده آمده است

باب رفتن به سجده، و گذاشتن دستها قبل از زانو

۴۹. وعن أبي هريرة قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «إِذَا سَجَدَ أَحَدُكُمْ فَلَا يَبْرُكْ كَمَا يَبْرُكُ الْبَعِيرُ وَلِيَضَعَ يَدَيْهِ قَبْلَ رُكْبَتَيْهِ».

[أخرجه الثلاثة].

یعنی: ابوهریره رضی الله عنه می گوید: رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «هر گاه یکی از شما سجده نمود، پس همچون شتر زانو نزند (اول زانوهایش را به زمین نگذارد) و باید دست هایش را قبل از زانوهایش به زمین بگذارد».



باب سجده نمودن بر هفت اعضاء

۵۰. عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا فِي رَوَايَةٍ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - : «أَمَرْتُ أَنْ أَسْجُدَ عَلَى سَبْعَةِ أَعْظُمٍ: عَلَى الْجَبْهَةِ - وَأَشَارَ بِيَدِهِ عَلَى أَنْفِهِ - وَالْيَدَيْنِ، وَالرُّكْبَتَيْنِ، وَأَطْرَافِ الْقَدَمَيْنِ، وَلَا تَكْفَتِ الثِّيَابَ وَالشَّعْرَ».

[بخاری: ۸۱۲].



یعنی: در روایتی، ابن عباس رضي الله عنهما می گوید: رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «به من دستور داده شده است که با هفت استخوان بدن (هفت عضو) سجده نمایم: پیشانی - و با دستش به بینی خود اشاره کرد (یعنی پیشانی و بینی با هم) - دو دست، دو زانو و سر انگشتان پا. همچنین به ما دستور داده شده است که در نماز، موهایی سر و لباس خود را جمع نکنیم».



باب کیفیت سجده کردن

۵۱. وعن البراء بن عازب رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «إِذَا سَجَدْتَ فَصَعْ كَفِّكَ وَارْفَعْ مَرْفِقَيْكَ». رواه مسلم.

یعنی: براء بن عازب رضي الله عنه گوید: که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «هنگامی که به سجده رفتی کف دست هایت را (به زمین) بگذار، و آرنجهایت را (از زمین) بلند کن».

۵۲. رسول الله صلى الله عليه وسلم به کسی که نمازش را بد خوانده بود دستور داد که در بین ارکان نماز الله اکبر بگوید و



فرمود: «إنه لاتتم صلاة لأحد من الناس حتي يتوضا فيضع الوضوء - يعني مواضعه - ثم يكبر و يحمد الله عزوجل ويثني عليه، و يقرأ بما شاء من القرآن ثم يقول: الله اكبر، ثم يسجد حتي تطمئن مفاصله، ثم يقول: الله أكبر، و يرفع رأسه حتي يستوي قاعدا، ثم يقول: الله أكبر، ثم يسجد حتي تطمئن مفاصله .. ثم يرفع رأسه فيكبر، فإذا فعل ذلك فقد تمت صلاته».

[ابوداود: (۸۴۲/ ۹۹ و ۱۰۰/ ۳).]

یعنی: «نماز هیچ یک از مردم کامل نمی شود مگر اینکه به خوبی وضو بگیرد (یعنی به خوبی اعضای وضویش را بشوید) سپس الله اکبر بگوید و حمد و ثنای خدا را به جای آورد و هر اندازه که خواست قرآن بخواند، سپس الله اکبر گفته، به رکوع رود بطوریکه مفاصلش آرام گیرند، سپس سمع الله لمن حمده بگوید بطوریکه راست بایستد، سپس الله اکبر گفته و به سجده برود بطوریکه مفاصلش آرام گیرند، سپس الله اکبر بگوید و سرش را (از سجده) بلند کند بطوریکه راست بنشیند سپس الله اکبر بگوید و (دوباره) سجده کند بطوریکه مفاصلش آرام



گیرند سپس سرش را بلند کند و الله اکبر بگوید و وقتی که این کارها را انجام داد نمازش کامل شده است».



باب نهمی از اینچنین سجده کردن

۵۳. رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید:
«اعْتَدُوا فِي السُّجُودِ، وَلَا يَبْسُطُ أَحَدُكُمْ ذِرَاعَيْهِ انْبِسَاطَ الْكَلْبِ» (و در لفظی: کما یَبْسُطُ الْكَلْبُ).

[بخاری و مسلم]

یعنی: «در سجود اعتدال داشته باشید و ساعدهایتان را پهن نکنید مانند کلب».

۵۴. و در حدیث دیگری چنین آمده: «وَلَا يَفْتَرِشُ أَحَدُكُمْ ذِرَاعَيْهِ افْتِرَاشَ الْكَلْبِ».

[احمد و ترمذی]

یعنی: «هیچ یک از شما دستهایش را پهن نکند مانند کلب».





باب وجوب آرامش در سجده

۵۵. همچنان در حدیث وارد شده: «ثُمَّ سَجَدَ فَقَالَ: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى» فَكَانَ سُجُودَهُ قَرِيبًا مِنْ قِيَامِهِ».

[رواه مسلم: ۷۲۲].

یعنی: سپس به سجده رفت و «سبحان ربی الاعلی» را قرائت نمود و سجده اش نیز مانند قیامش بود.



باب دعای که در سجده خوانده می شود

۵۶. وعن أبي هريرة رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَقُولُ فِي سُجُودِهِ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي كُلَّهُ: دِقَّةَ وَجِلِّهِ، وَأَوَّلَهُ وَآخِرَهُ، وَعَلَانِيَتَهُ وَسِرَّهُ».

[بروایت صحیح مسلم].

یعنی: از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم در سجده اش می فرمود: اللهم اغفر لي ذنبي ... پروردگارا! همهء گناهان کوچک و بزرگ و اول و آخر و آشکارا و پنهانم را بیامرز!

نکته: از دعاهاى که در سجده وارد شده است:

- سبحان ربی الاعلی وبحمده.



- سبوح قدوس رب الملائكة والروح.
- سبحانك اللهم ربنا وبحمدك اللهم اغفر لي.
- اللهم لك سجدت وبك آمنت ولك أسلمت [وأنت ربي] سجد وجهي للذي خلقه وصوره [فأحسن صورته] وشق سمعه وبصره [ف] تبارك الله أحسن الخالقين.
- اللهم اغفر لي ذنبي كله ودقه وجله وأوله وآخره وعلايته وسره.
- سجد لك سوادي وخيالي وآمن بك فؤادي أبوء بنعمتك علي هذي - يدي وما جنيت على نفسي.
- سبحان ذي الجبروت والملكوت والكبرياء والعظمة.



باب کیفیت نشستن در بین دو سجده

۵۷. از عایشه روایت است: «وكان يفرش رجله اليسري وينصب رجله اليمني».

[بخاری و بیهقی].

یعنی: «پیامبر - صلی الله علیه وسلم - پای چپش را پهن و پای راستش را (روی زمین) نصب می کرد».



۵۸. از ابن عمر روایت است: «من سنة الصلاة أن تنصب القدم اليميني، و استقباله بأصابعها القبلة، و الجلوس علي اليسري».

[نسائی (۲/۲۳۶)]

یعنی: «نصب نمودن پای راست و رو به قبله نمودن انگشتان آن و نشستن بر پای چپ از سنتهای نماز است».



باب، نسبتاً طولانی نشستن میان دو سجده

۵۹. وعن أنسٍ - رضي الله عنه - قَالَ: إِنِّي لَا أَلُوَّ أَنْ أُصَلِّيَ بِكُمْ كَمَا رَأَيْتُ النَّبِيَّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - يُصَلِّي بِنَا. قَالَ ثَابِتٌ (راوي هَذَا الْحَدِيثِ) كَانَ أَنَسٌ يَصْنَعُ شَيْئًا لَمْ أَرَكُمُ تَصْنَعُونَهُ، كَانَ إِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ الرُّكُوعِ قَامَ حَتَّى يَقُولَ الْقَائِلُ قَدْ نَسِيَ؛ وَبَيْنَ السَّجْدَتَيْنِ، حَتَّى يَقُولَ الْقَائِلُ قَدْ نَسِيَ».

[أخرجه البخاري في: ۱۰ كتاب الأذان: ۱۴۰ باب المكث بين السجدين].

یعنی: «انس می گوید: من سعی می کنم همانطور که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - برای ما امامت نماز را می خواند برای



شما امامت کنم. ثابت راوی این حدیث می گوید: انس در امامت نماز، کاری می کرد، که ندیده ام شما بکنید، هرگاه سرش را از رکوع بلند می کرد به اندازه ای می ایستاد که انسان می گفت فراموش کرده که به سجده برود و در بین دو سجده به اندازه ای توقف می نمود که انسان می گفت: فراموش کرده که سجده دوم را به جای آورد».



باب دعا در بین دو سجده

سنت این است که سر را که از سجود اول بلند کرد، بگوید: «الله اکبر» و تکبیر را بکشد تا این که راست بنشیند و میان دو سجود بگوید: «رَبِّ اغْفِرْ لِي، رَبِّ اغْفِرْ لِي».

۶۰. در حدیث حذیفه به روایت ابی داود و ترمذی و نسائی و بیهقی و غیره در آن حدیث طولانی آمده است: وکان يقول بین السجدةین: «رَبِّ اغْفِرْ لِي، رَبِّ اغْفِرْ لِي».

۶۱. و در روایت بیهقی از ابن عباس - رضي الله عنهما -: وکان إذا رفع رأسه من السجدة قال: «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي، وَأَجْبِرْنِي وَارْفَعْنِي وَارْزُقْنِي وَأَهْدِنِي». وفي رواية أبي داود «وَعَافِنِي». وإسناده حسن. والله أعلم.



یعنی: «الهی! مرا مغفرت کن، و به من رحم کن، و مرا هدایت کن و به من عافیت بده و روزی عطا فرما».



باب بسیار دعا کردن در سجده

۶۲. عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ -: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - قَالَ: «أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنْ رَبِّهِ وَهُوَ سَاجِدٌ فَأَكْثِرُوا الدَّعَاءَ».

[رواه مسلم].

یعنی: از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت است که: رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «بنده در حالت سجده، بیشتر از هر وقت دیگری به خداوند، نزدیک است؛ پس در آن، زیاد دعا کنید».



باب سنت بودن جلسه استراحت

۶۳. از مالک بن حویرث رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ روایت شده است که: «إِنَّهُ رَأَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ؛ فَإِذَا كَانَ فِي وَثْرٍ مِنْ صَلَاتِهِ، لَمْ يَنْهَضْ حَتَّى يَسْتَوِيَ قَاعِدًا».



[بخاری و اصحاب سنن]

یعنی: «پیامبر صَلَّی اللہُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم را دیدم که در رکعت های فرد بلند نمی شد تا این که کاملاً می نشست».

نکته: جلسه استراحت (نشستن برای استراحت) که نشستن اندک است، و نمازگزار آن را بعد از فراغت از سجده دوم رکعت اول و بعد از فراغت از سجده دوم رکعت سوم انجام می دهد، چون عملاً پیامبر - صَلَّی اللہُ عَلَیْہِ وَسَلَّم - چنین کرده است. (و در روایت از احمد نیز آمده است).





کتاب کیفیت تشهد

باب کیفیت تشهد اول

۶۴. از ابن عمر روایت است: «أن رسول الله - صلى الله عليه وسلم - كان إذا جلس في الصلاة وضع كفه اليمني علي فخذه اليمني و قبض أصابعه كلها و أشار بأصبعه التي تلي الإبهام، و وضع كفه اليسري علي فخذه اليسري».

[ابوداود (۳/۲۷۷/۹۷۲)]

یعنی: «پیامبر - صلی الله علیه وسلم - وقتی در نماز می نشست کف دست راستش را روی ران راستش قرار می داد و تمام انگشتانش را می بست و با انگشت سبابه اشاره می کرد و کف دست چپش را روی ران چپش قرار می داد».



باب کیفیت اشاره به سبابه

۶۵. از ابن عمر روایت است: «أن رسول الله - صلى الله عليه وسلم - كان إذا جلس في الصلاة وضع كفه



اليمني علي فخذہ اليمني و قبض أصابعه كلها و أشار بأصبعه التي تلي الإبهام، و وضع كفه اليسري علي فخذہ اليسري». [ابوداود: (۳/۲۷۷/۹۷۲)]

یعنی: «پیامبر - صلی الله علیه وسلم - وقتی در نماز می نشست کف دست راستش را روی ران راستش قرار می داد و تمام انگشتانش را می بست و با انگشت سبابه اشاره می کرد و کف دست چپش را روی ران چپش قرار می داد».



باب

۶۶. وعن ابن عُمَرَ رضي الله عنهما أن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: كان إذا قَعَدَ لِلتَّشَهُّدِ وضع يده اليُسرى على رُكْبَتَيْهِ اليُسرى واليُمْنى على اليُمْنى وعقد ثلاثاً وخمسين وأشار بإصبعه السَّبابة. رواه مسلم.

وفي رواية له: وَقَبَضَ أَصَابِعَهُ كُلَّهَا وَأَشَارَ بِالتّي تلي الإبهام. یعنی: از ابن عمر رضي الله عنهما روایت است که رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم هر گاه برای تشهد می نشست دست چپ را روی ران چپ و دست راست را روی ران راست می گذاشت و سه انگشت اول و انگشت پنجم را روی هم مشت



می کرد و با انگشت سبابه اش اشاره می کرد. مسلم روایت کرده است.

و در روایت دیگر مسلم آمده: همه ی انگشتانش را مشت می کرد، و فقط با انگشت بعد از ابهام (سبابه) اشاره می کرد.



باب اینکه، چشمان شخص در سجده به کدام طرف باشد؟!

۶۷. از نافع روایت است: «کان عبدالله بن عمر رضي الله عنهما إذا جلس في الصلاة وضع يديه علي ركبتيه و أشار بأصبعه و أتبعها بصره ثم قال: قال رسول الله - صلى الله عليه وسلم - «لهي أشد علي الشيطان من الحديد يعني السبابة».

[صفة الصلاة ۱۴۰].

یعنی: «عبدالله بن عمر رضي الله عنهما وقتی در نماز می نشست دو دستش را روی دو زانویش قرار می داد و با انگشتش اشاره می کرد و به آن نگاه می کرد، سپس گفت پیامبر - صلى الله عليه وسلم - فرمود: این انگشت سبابه برای شیطان از آهن سخت تر است».



وجوب تشهد در قعه اول

۶۸. عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - قَالَ: كُنَّا إِذَا صَلَّيْنَا خَلْفَ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - قُلْنَا: السَّلَامُ عَلَى جِبْرِيلَ وَمِيكَائِيلَ، السَّلَامُ عَلَى فُلَانٍ وَفُلَانٍ، فَانْتَمَتَ إِلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فَقَالَ: «إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ، فَإِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ، فَلْيَقُلْ: التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، فَإِنَّكُمْ إِذَا قُلْتُمُوهَا أَصَابَتْ كُلَّ عَبْدٍ لِلَّهِ صَالِحٍ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ».

[بخاری: ۸۳۱].

یعنی: عبد الله بن مسعود - رضي الله عنه - مي گوید: پشت سر رسول الله - صلى الله عليه وسلم - نماز مي خوانديم و در قعه، چنين دعا مي كرديم: سلام بر الله، سلام بر جبرئيل، ميكائيل و فلان و فلان. رسول الله - صلى الله عليه وسلم - به سوي ما نگاه كرد و فرمود: «خداوند، خودش منشأ سلامتي است. (هيچ نيازي ندارد كه شما بر او سلام بگوييد). شما بايد در نماز، چنين بگوييد: التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ السَّلَامُ



عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ - این دعا شامل همه بندگان نیک الله در زمین و آسمان می شود - أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.



باب وجوب درود فرستادن در هر دو قعده (پس از

تشهد)

۶۹. عَنْ أَبِي حُمَيْدٍ السَّاعِدِيِّ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - :
أَتَاهُمْ قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، كَيْفَ نُصَلِّي عَلَيْكَ؟ فَقَالَ رَسُولُ
اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - : «قُولُوا: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَأَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، وَبَارِكْ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَأَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ
حَمِيدٌ مَجِيدٌ».

[بخاری: ۳۳۶۹].

یعنی: ابو حمید ساعدی - رضی الله عنه - می گوید: صحابه
عرض کردند: ای رسول خدا! چگونه برای تو درود بفرستیم؟
رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «بگوئید: اللَّهُمَّ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، وَبَارِكْ



عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ».

یعنی خدایا! بر محمد و همسران و فرزندان، درود بفرست همانگونه که بر آل ابراهیم علیه السلام درود فرستادی. و به محمد و همسران و فرزندان، برکت عنایت کن همانطور که به آل ابراهیم، برکت عنایت فرمودی. همانا تو ستوده و بزرگواری.



باب، وقتی که شخص به رکعت سوم ایستاده می شود، دستهایش را برابر شانه هایش بلند کند

۷۰. عَنْ نَافِعٍ، أَنَّ ابْنَ عُمَرَ، كَانَ " إِذَا دَخَلَ فِي الصَّلَاةِ كَبَّرَ وَرَفَعَ يَدَيْهِ، وَإِذَا رَكَعَ رَفَعَ يَدَيْهِ، وَإِذَا قَالَ: سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، رَفَعَ يَدَيْهِ، وَإِذَا قَامَ مِنَ الرُّكْعَتَيْنِ رَفَعَ يَدَيْهِ "، وَرَفَعَ ذَلِكَ ابْنُ عُمَرَ إِلَى نَبِيِّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

[بخاری ۱۴۸/۱ شماره ۷۳۹].

یعنی: از نافع روایت شده که گفت: «ابن عمر هرگاه شروع به نماز می کرد الله اکبر می گفت و رفع یدین می کرد، و اگر به رکوع می رفت رفع یدین می کرد، و وقتی از رکوع برمی



خاست و « سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ » را می گفت باز رفع یدین می کرد، و هنگامی که بعد از دو رکعت (تشهد اول) بلند می شد رفع یدین می کرد، و ابن عمر این شیوه نماز را به پیامبر صلی الله علیه وسلم نسبت می داد.»



باب وجوب پناه خواستن از چهار چیز قبل از سلام

۷۱. وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «إِذَا تَشَهَّدَ أَحَدُكُمْ فَلْيَسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنْ أَرْبَعٍ يَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ جَهَنَّمَ وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ». متفقٌ عليه. وفي رواية لمسلم: «إِذَا فَرَغَ أَحَدُكُمْ مِنَ التَّشْهَدِ الْأَخِيرِ».

یعنی: از ابو هریره رضي الله عنه روایت است که: رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «هر گاه یکی از شما تشهد را خواند، پس بعد از آن از چهار چیز به خدا پناه ببرد، بگوید: خداوند از عذاب جهنم، عذاب قبر، فتنه ی زندگی و مرگ و از فتنه مسیح دجال به تو پناه می برم.» متفق علیه.



و در روایت مسلم آمده: «هر گاه یکی از شما از تشهد آخری فراغت یافت».



باب دعا قبل از سلام

۷۲. عَنْ أَبِي بَكْرٍ الصِّدِّيقِ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ -: أَنَّهُ قَالَ لِرَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -: عَلَّمَنِي دُعَاءً أَدْعُو بِهِ فِي صَلَاتِي. قَالَ: «قُلِ: اللَّهُمَّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي ظُلْمًا كَثِيرًا، وَلَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ فَاعْفِرْ لِي مَغْفِرَةً مِنْ عِنْدِكَ وَارْحَمْنِي، إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ».

[رواه البخاري]

یعنی: ابوبکر صدیق - رضی الله عنه - می گوید: به رسول الله - صلی الله علیه وسلم - گفتم: دعایی به من بیاموز تا آنرا در نماز بخوانم. آنحضرت - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «این دعا را بخوان: «اللَّهُمَّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي ظُلْمًا كَثِيرًا، وَلَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ فَاعْفِرْ لِي مَغْفِرَةً مِنْ عِنْدِكَ وَارْحَمْنِي، إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ»». (پروردگارا! بر خود بسیار ستم کرده ام و جز تو کسی دیگر نیست که گناهان مرا بیامرزد. خداوند! با عنایت



خود، مرا پیامرز و بر من رحم کن. همانا تو بخشنده و مهربانی».



باب ختم نماز با تسلیم

۷۳. از ابن مسعود روایت است: «أن النبي - صلى الله عليه وسلم - كان يسلم عن يمينه و عن يساره السلام عليكم و رحمة الله، و السلام عليكم و رحمة الله، حتي يري بياض خده».

[ابن ماجه (۱/۲۹۶/۹۱۴)]

یعنی: «پیامبر - صلى الله عليه وسلم - به طرف راست و چپش سلام می داد و می فرمود: السلام عیکم و رحمة الله، السلام عیکم و رحمة الله بطوریکه سفیدی گونه اش نمایان می شد».

۷۴. عن ابن عباس، قال: كنت أعرف انقضاء صلاة النبي - صلى الله عليه وسلم - بالتكبير».

[بروایت بخاری]

یعنی: «ابن عباس می گوید: تمام شدن نماز پیامبر - صلى الله عليه وسلم - را با الله اکبر گفتنش (در آخر نماز) تشخیص



می دادم (یعنی وقتی که نمازش تمام می شد الله اکبر می گفت)».



باب جواز خاموش کردن موبائل در نماز

۷۵. عَنْ أَبِي قَتَادَةَ الْأَنْصَارِيِّ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - : أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - كَانَ يُصَلِّي وَهُوَ حَامِلٌ أُمَامَةَ بِنْتِ زَيْنَبَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - وَلَأَبِي الْعَاصِ بْنِ رَبِيعَةَ بْنِ عَبْدِ شَمْسٍ فَإِذَا سَجَدَ وَضَعَهَا وَإِذَا قَامَ حَمَلَهَا.

[بخاری: ۵۱۶].

یعنی: ابوقتاده انصاری - رضی الله عنه - می گوید: رسول الله - صلی الله علیه وسلم - هنگام نماز خواندن، امامه، دختر زینب (نوه اش) را که پدرش ابوالعاص بن ربیع بن عبد شمس بود، بر دوش می گرفت. و هنگامیکه به سجده میرفت، او را بر زمین می گذاشت و وقتیکه از سجده بلند می شد، او را دوباره بر دوش می نهاد.





فصل:

تفاوتی میان نماز زن و مرد وجود ندارد

۷۶. وعن مالك بن الحويرث رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أَصْلِي».

[رواه البخاري]

یعنی: مالک بن حویرث رضی الله عنه می گوید: رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «نماز بخوانید، همانگونه که می بینید من نماز می خوانم».





کتاب مکلفیت های شخص پس از ختم نماز

باب اذکار بعد از فرض

۷۷. عایشه - رضي الله عنها - می گوید: «كَانَ إِذَا سَلَّمَ لَمْ يَقْعُدْ إِلَّا مِقْدَارَ مَا يَقُولُ (اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ)» «وقتيكه سلام میداد نمي نشست مگر به اندازه اي (اللهم أنت السلام) گفتن».

[بروایت صحیح مسلم].

۷۸. عَنِ الْمُغِيرَةِ بْنِ شُعْبَةَ - رضي الله عنه - : أَنَّ النَّبِيَّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - كَانَ يَقُولُ فِي دُبْرِ كُلِّ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلَا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ، وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ».

[بخاری: ۸۴۴].

یعنی: مغیره بن شعبه روایت می کند که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - بعد از هر نماز فرض، این دعا را می خواند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ وَلَا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ» (هیچ معبود بر حقی جز الله وجود



ندارد. یکتایی است که شریکی ندارد. پادشاهی، از آن اوست. و همه ستایشها، شایسته اوست. هیچ کس، نمی تواند مانع بخشش تو شود. و کسی را که تو محروم سازی، هیچ کس نمی تواند به او چیزی عطا کند. سعی و تلاش فرد، در برابر مشیت تو، سودی ندارد.

۷۹. وَعَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَاصٍ رَضِيَ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَتَعَوَّذُ دُبْرَ الصَّلَاةِ بِهَؤُلَاءِ الْكَلِمَاتِ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُبْنِ وَالْبُخْلِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أُرَدَّ إِلَى أَرْدَلِ الْعُمَرِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الدُّنْيَا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْقَبْرِ» رواه البخاري.

یعنی: از سعد ابن ابی وقاص - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - در پایان نمازها با این کلمات به خدا پناه می برد و تعوذ می فرمود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُبْنِ وَالْبُخْلِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أُرَدَّ إِلَى أَرْدَلِ الْعُمَرِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الدُّنْيَا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْقَبْرِ: بارخدایا! من از ترس و حسد و خست و از این که به پیری ناقص کننده ای عقل و نیرو برسم و از فتنه ای دنیا و فتنه ای قبر به تو پناه می برم!».



۸۰. وعن أبي هريرة عن رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ سَبَّحَ اللَّهَ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ، وَحَمِدَ اللَّهَ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ، وَكَبَّرَ اللَّهَ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ وَقَالَ تَمَامَ الْمِائَةِ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، غُفِرَتْ خَطَايَاهُ وَإِنْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ» رواه مسلم.

یعنی: از ابو هریره رضي الله عنه روایت است که:

رسول الله صلي الله عليه وسلم فرمود: آنکه بعد از هر نماز ۳۳ بار سبحان الله و ۳۳ بار الحمد لله و ۳۳ بار الله اکبر گفته و برای اتمام صد بگوید: لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. گناهانش آمرزیده می شود، هر چند مثل کف دریا باشد.





کتاب متفرقات

باب وتر گزاریدن

۸۱. وَعَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيِّ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الْوُتْرُ حَقٌّ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُوتَرَ بِخَمْسٍ فَلْيَفْعَلْ وَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يُوتَرَ بِثَلَاثٍ فَلْيَفْعَلْ وَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يُوتَرَ بِوَاحِدَةٍ فَلْيَفْعَلْ».

[رَوَاهُ الْأَرْبَعَةُ إِلَّا التِّرْمِذِيُّ وَصَحَّحَهُ ابْنُ حِبَّانَ وَرَجَّحَ النَّسَائِيُّ وَقَفَّهْ].

یعنی: از ابو ایوب انصاری روایت است که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «وتر بر هر مسلمان لازم است، و هر کس که دوست دارد پنج رکعت وتر بخواند، پس بخواند و هر کس که دوست دارد سه رکعت وتر بخواند، پس بخواند و هر کس دوست دارد یک رکعت وتر بخواند؛ بخواند».



باب دعای قنوت

۸۲. وَعَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّهُ قَالَ: عَلَّمَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ كَلِمَاتٍ أَقُولُهُنَّ



فِي قُنُوتِ الْوُثْرِ: «اللَّهُمَّ اهْدِنِي فِيمَنْ هَدَيْتَ وَعَافِنِي فِيمَنْ عَافَيْتَ وَتَوَلَّنِي فِيمَنْ تَوَلَّيْتَ وَبَارِكْ لِي فِيمَا أَعْطَيْتَ وَقْنِي شَرَّ مَا قَضَيْتَ فَإِنَّكَ تَقْضِي وَلَا يُقْضَى عَلَيْكَ وَإِنَّهُ لَا يَذِلُّ مَنْ وَالَيْتَ تَبَارَكْتَ رَبَّنَا وَتَعَالَيْتَ». رواه الخمسة.

یعنی: حسن بن علی رضی الله عنه می گوید: رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم به من کلماتی آموخت که در قنوت وتر بخوانم: «الهی! مرا از کسانی قرار بده که آن ها را هدایت کرده ای و مرا از کسانی قرار بده که عافیتشان داده ای، و مرا از کسانی قرار بده که آنان را دوست خود قرار داده ای و در آنچه به من عطا کردی برکت بده، و مرا از شر آنچه مقدر کرده ای محفوظ بدار. بی گمان این تو هستی که قضاوت می کنی و بر علیه تو قضاوت و حکم نخواهد شد و هر کسی را تو دوست بداری (و حمایت کنی) خوار نخواهد شد، خداوند دارای برکات بسیار و بلند مرتبه ای است».



باب سجده سهو

۸۳ عن عبد الله بن بُحَيْنَةَ رضي الله عنه أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلَهُ وَسَلَّمَ صَلَّى بِهِمُ الظُّهَرَ فَقَامَ فِي الرُّكْعَتَيْنِ



الأوليين ولم يجلس فقام الناس معه حتى إذا قضى - الصلاة وانتظر الناس تسليمه كبر وهو جالس، وسجد سجدتين قبل أن يسلم ثم سلم. أخرجه السبعة وهذا اللفظ للبخاري.

وفي رواية لمسلم: يُكبر في كل سجدة وهو جالس ويسجد، ويسجد الناس معه مكان ما نسي من الجلوس.

یعنی: از عبدالله بن بحینه رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم با آنان نماز ظهر را خواند پس بعد از دو رکعت (برای تشهد اول) نشست و بلند شد، مردم نیز با ایشان بلند شدند نماز که تمام شد و مردم منتظر سلام دادنش بودند؛ در حالی که نشسته بود تکبیر گفت و قبل از سلام دو سجده بجای آورد و سپس سلام داد. سبعة روایت کرده اند و این لفظ بخاری است، و در یک روایات مسلم آمده: در حالی که نشسته بود هر بار که به سجده می رفت الله اکبر می گفت و مردم نیز با او سجده کردند؛ به جای آنکه نشستن (تشهد) را فراموش کرده بود.





باب مواظبت بر سنت های رواتب

۸۴. وَعَنْ أُمِّ حَبِيبَةَ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا
قَالَتْ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ:
«مَنْ صَلَّى اثْنَتَيْ عَشْرَةَ رَكْعَةً فِي يَوْمِهِ وَلَيْلَتِهِ بُنِيَ لَهُ بِهِنَّ بَيْتٌ
فِي الْجَنَّةِ».

[رَوَاهُ مُسْلِمٌ]

یعنی: ام المومنین، ام حبیبہ رضی اللہ عنہا می گوید: (از رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم شنیدم کہ می فرمود: «کسی کہ در ہر شبانہ روز دوازده رکعت سنت بخواند، برایش در بہشت خانہ ای ساختمہ می شود». مسلم روایت کردہ است، و در روایتی دیگر آمدہ: «سنت». و ہمین حدیث را ترمذی روایت کردہ است و افزودہ: چہار رکعت قبل از ظہر دو رکعت بعد از آن، دو رکعت بعد از مغرب، دو رکعت بعد از عشاء، و دو رکعت قبل از نماز صبح.



باب قصر نمازهای فرض در سفر

۸۵. وَعَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَقْصُرُ فِي السَّفَرِ وَيُتِمُّ وَيُصُومُ وَيَفْطِرُ.



رَوَاهُ الدَّارِقُطْنِيُّ وَرَوَاتُهُ ثِقَاتٌ إِلَّا أَنَّهُ مَعْلُولٌ وَالْمَحْفُوظُ عَنْ عَائِشَةَ مِنْ فَعْلِهَا وَقَالَتْ: «إِنَّهُ لَا يَشُقُّ عَلَيَّ». أَخْرَجَهُ الْبَيْهَقِيُّ.

یعنی: از عایشه رضی الله عنها روایت است که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم در سفر نماز را قصر- (کوتاه) و (گاهی) کامل می خواند، و (گاهی) روزه می گرفت و (گاهی) افطار می کرد. دارقطنی روایت کرده است، و راویان آن ثقه اند، اما معلول است، و محفوظ (و ثابت) از فعل خود ام المومنین عایشه است، و می گفت: چون برایم دشوار نیست. بیهقی روایت کرده است.



باب سنت پس از جمعه

۸۶. وَعَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ لَا يُصَلِّي بَعْدَ الْجُمُعَةِ حَتَّى يَنْصَرِفَ فَيُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ فِي بَيْتِهِ، رَوَاهُ مُسْلِمٌ.

یعنی: از ابن عمر - رضی الله عنهما - روایت شده است که پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - بعد از نماز جمعه، نمازی نمی خواند تا باز می گشت و بعد، در خانه، دو رکعت نماز می خواند.



باب نماز عید

۸۷. وَعَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَأَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ يَصْلُونَ الْعِيدَيْنِ قَبْلَ الْخُطْبَةِ.

[مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ.]

یعنی: ابن عمر رضی الله عنهما می گوید: رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم و ابوبکر و عمر نمازهای عید فطر و قربان را قبل از خطبه می خواندند.



باب نماز کسوف

۸۸. وَعَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ جَهَرَ فِي صَلَاةِ الْكُسُوفِ بِقِرَاءَتِهِ فَصَلَّى أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ فِي رَكَعَتَيْنِ وَأَرْبَعَ سَجَدَاتٍ. مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ. وَهَذَا لَفْظُ مُسْلِمٍ. وَفِي رَوَايَةٍ لَهُ: فَبَعَثَ مُنَادِيًا يُنَادِي: «الصَّلَاةُ جَامِعَةٌ».

یعنی: عایشه رضی الله عنها می گوید: پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم در نماز کسوف به صورت جهری قراءات خواند، چهار رکوع در دو رکعت با چهار سجده به جای آورد. متفق



علیه و این لفظ مسلم است. و در روایت دیگر مسلم آورده: کسی را فرستاد تا ندا دهد: «الصلاة جامعة، نماز بر پاست».



باب نماز طلب باران

۸۹. عن ابن عباس رضي الله عنهما قال: خرج النبي صلى الله عليه وآله وسلم متواضعاً متبذلاً متخشعاً مترسلاً متضرعاً فصلّى ركعتين كما يُصلي في العيد لم يخطب خطبتكم هذه.

[رواه الخمسة وصححه الترمذي وأبو عوانة وابن حبان].

یعنی: ابن عباس رضي الله عنهما می گوید: پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم برای نماز باران با تواضع، بدون هیچ آرایش با خشوع، به آرامی و با تضرع بیرون شد، پس دو رکعت نماز همانند نماز عید خواند، و خطبه ای مانند این خطبه شما نمی خواند. «خمس» روایت کرده اند، ترمذی و ابو عوانه و ابن حبان آن را صحیح دانسته اند.





باب نماز جنازه

۹۰. عن عبد الرحمن بن أبي ليلى رضي الله عنه قال: كان زيد بن أرقم يكبر على جنازنا أربعاً وإنه كبر على جنازة خمساً فسأله فقال: كان رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم يكبرها.

[رواه مسلم والأربعة].

یعنی: عبد الرحمن بن ابن لیلی می گوید: زید بن ارقم بر جنازهای مان چهار تکبیر می گفت، بریک جنازه پنج تکبیر گفت. از او سؤال کردم، گفت: پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم پنج تکبیر می گفت.



باب سجده تلاوت

۹۱. از نافع از ابن عمر روایت است که: «پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - برایمان قرآن می خواند، چون به آیه سجده می رسید، با گفتن تکبیر به سجده می رفت و ما نیز همراه وی به سجده می رفتیم».

[به روایت ابوداود و بیهقی و حاکم که گفته به شرط شیخین «صحیح» است].



باب سجده شکر

۹۲. بیهقی با اسناد و بشرط بخاری روایت کرده است که: علی بن ابی طالب از یمن خبر مسلمان شدن قبیله «همدان» را، برای پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - نوشت، چون پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - آن را شنید، فوراً به سجده افتاد، سپس سر از سجده برداشت و گفت: السلام علی همدان، السلام علی همدان».

۹۳. از عبدالرحمن بن عوف روایت است که: پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - بیرون رفت، من او را دنبال کردم تا اینکه داخل نخلستانی شد و به سجده افتاد و آنقدر سجده او طول کشید، که من نگران شدم، مبدا که وفات کرده باشد، لذا پیش رفتم و نگاه می کردم، که سر از سجده برداشت و فرمود: «ما لك يا عبد الرحمن؟» «چیت شده ای عبدالرحمن؟»، من نگرانی خود را به وی عرض کردم، او فرمود: «إن جبریل - علیه السلام - قال لي: ألا أبشرك؟ إن الله عزوجل يقول لك: من صلی عليك صليت عليه، ومن سلم عليك سلمت عليه، فسجدت لله عز وجل شكراً» «جبریل درود خدا بر وی باد به من گفت: به تو مژده ندهم؟ همانا خدای بزرگ به تو می گوید: هر کس بر



تو درود و سلام بفرستد، من بروی درود و سلام می فرستم لذا برای خدای بزرگ سجده شکر گزاردم». به روایت احمد و حاکم که او آن را بشرط شیخین «صحیح» دانسته است.





کتاب نهی از بعضی امور در خصوص نماز

باب نهی از نماز خواندن بسوی قبور

۹۴. وعن أَبِي مَرْثَدٍ الْغَنَوِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «لَا تُصَلُّوا إِلَى الْقُبُورِ وَلَا تَجْلِسُوا عَلَيْهَا».

[رواهُ مُسْلِمٌ].

یعنی: از ابو مرثد غنوی رضی الله عنه روایت است که گفت: شنیدم رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «به طرف قبرها نماز نخوانید، و روی قبرها ننشینید».



باب نهی از اینکه شخص متصل فرض، سنت خود را بخواند

۹۵. از معاویه رضی الله عنه روایت است که: «أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَهَى أَنْ تُوَصَّلَ صَلَاةُ بِصَلَاةٍ حَتَّى يَتَكَلَّمَ أَوْ يَخْرُجَ».

[صحيح مسلم].



یعنی: «پیامبر صلی الله علیه وسلم از وصل کردن نماز (فرض) با نماز (سنت) نهی کرده است تا آنکه نمازگزار بین آن دو نماز سخنی می گوید یا خارج می شود.



باب نهی از نماز خواندن در خانه ای که در آن

تصویر باشد

۹۶. عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - قَالَ: كَانَ قِرَامٌ لِعَائِشَةَ، سَتَرَتْ بِهِ جَانِبَ بَيْتِهَا، فَقَالَ النَّبِيُّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - : «أَمِيطِي عَنَّا قِرَامَكَ هَذَا، فَإِنَّهُ لَا تَزَالُ تَصَاوِيرُهُ تَعْرُضُ فِي صَلَاتِي».

[بخاری: ۳۷۴].

یعنی: انس بن مالک - رضي الله عنه - می گوید: عایشه رضي الله عنها در گوشه ای از خانه خود، پرده ای را که روی آن، تصویر وجود داشت، آویزان کرده بود. رسول الله - صلی الله علیه وسلم - به عایشه فرمود: «این پرده ات را از مقابل من بردار. زیرا هنگام نماز، تصاویر آن، جلب توجه می کند.





باب نهی از پوشانیدن دهان در نماز

۹۷. از ابوهریره روایت است که: (أَنْ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - نَهَى عَنِ السِّدْلِ فِي الصَّلَاةِ وَأَنْ يَغْطِيَ الرَّجُلُ فَاةً).

[ترمذی: ۳۷۶ / ۱/۲۳۴]

«پیامبر - صلی الله علیه وسلم - از فروهشتن لباس و پوشاندن دهان در نماز نهی فرمود».



باب نهی از دیدن بطرف آسمان در نماز

۹۸. از ابوهریره روایت است که: پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «لَيَنْتَهِيَنَّ أَقْوَامٌ عَنْ رَفْعِهِمْ أَبْصَارَهُمْ عِنْدَ الدُّعَاءِ فِي الصَّلَاةِ إِلَى السَّمَاءِ أَوْ لَتَخَطْفَنَّ أَبْصَارَهُمْ». یعنی: «آنانی که در هنگام دعا در نماز چشمانشان را به آسمان بلند می کنند، باید از این عملشان دست بکشند، وگرنه به شدت بینایی شان گرفته می شود».





باب نهی از فائزه کشیدن در نماز

۹۹. وعن أبي سعيد الخدري رضي الله عنه قال:
قال رسول الله صَلَّى الله عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِذَا تَشَاءَبَ أَحَدُكُمْ
فَلْيُمْسِكْ بِيَدِهِ عَلَى فِيهِ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَدْخُلُ

[رواه مسلم].

یعنی: از ابو سعید خدری رضی الله عنه روایت شده که
رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: هرگاه یکی از شما
خمیازه کشید، باید دست خود را بر دهانش بگیرد، زیرا شیطان
وارد آن می شود.

باب

۱۰۰. رسول الله - صَلَّى الله عليه وآله وسلم - می
فرماید:

«إِذَا تَوَضَّأَ أَحَدُكُمْ فَأَحْسَنَ وُضُوءَهُ ثُمَّ خَرَجَ عَامِدًا إِلَى
الْمَسْجِدِ فَلَا يُسَبِّحَنَّ بَيْنَ أَصَابِعِهِ فَإِنَّهُ فِي صَلَاةٍ».

[رواه أبوداود ۳۸/۱ حدیث رقم ۵۶۲].

یعنی: «اگر یکی از شما وضوء گرفت و آنرا کامل و تمام
کرد سپس بقصد مسجد برای نماز بیرون رفت، بین دو دست



خود گره نزنند، یعنی داخل هم نکنند، زیرا او در حالت ادای نماز می باشد».



باب نهی از این عمل

۱۰۱. عَنْ أَبِي الشَّعْثَاءِ قَالَ: كُنَّا قُعُودًا مَعَ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فِي الْمَسْجِدِ، فَأَذَّنَ الْمُؤَذِّنُ، فَقَامَ رَجُلٌ مِنَ الْمَسْجِدِ يَمْشِي، فَاتَّبَعَهُ أَبُو هُرَيْرَةَ بَصَرُهُ حَتَّى خَرَجَ مِنَ الْمَسْجِدِ، فَقَالَ أَبُو هُرَيْرَةَ: أَمَّا هَذَا فَقَدْ عَصَى أَبَا الْقَاسِمِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

[صحیح مسلم: ۶۵۵].

یعنی: از ابو شعثاء روایت شده است که گفت: ما با ابوهریره - رضی الله عنه - در مسجد نشسته بودیم و مؤذن اذان گفت، مردی از مسجد برخاست و رفت؛ ابوهریره - رضی الله عنه - با چشم او را دنبال کرد تا از مسجد خارج شد و آن گاه گفت: این مرد نسبت به ابوالقاسم - صلی الله علیه وآله وسلم - نافرمانی کرد.





باب نهی از عبور از پیش روی نمازگزار

۱۰۲. عن أبي جُهَيْم بن الحارث رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «لَوْ يَعْلَمُ الْمَارُّ بَيْنَ يَدَيِ الْمُصَلِّي مَاذَا عَلَيْهِ مِنَ الْإِثْمِ لَكَانَ أَنْ يَقِفَ أَرْبَعِينَ خَيْرًا لَهُ مِنْ أَنْ يَمُرَّ بَيْنَ يَدَيْهِ». متفق عليه واللفظُ للبخاريّ ووقع في البزّار من وجهٍ آخر: «أَرْبَعِينَ خَرِيفًا».

یعنی: از ابو جهیم بن حارث رضي الله عنه روایت است که رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: «اگر کسی که از جلو نماز گذار عبور می کند، می دانست مرتکب چه گناهی شده است، توقف چهل (سال، ماه) را بر عبور از جلوی نماز گزار ترجیح می داد».

ختم کتاب بعون الله، ۱۴۱، در دیار مهاجرت و تبعید.